گلستانه

سال پنجم
شماره ۵۴
دی ۸۲
۱۰۰ صفحه
۹۰۰ تومان

ماهنامه ادبی، هنری

پرونده

فصل اول

هنرهای تجسمی

داستان

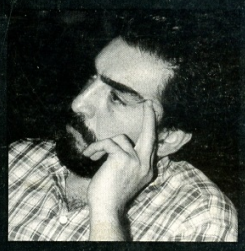

موسیقی

یک نام، مثل صدای قطرات باران

ویژه جومپا لاهیری

گفت و گو با مسعود شعاری و کیوان میرهادی

مایکل کیمن، هیپی پنهان شده در لباس رهبر ارکستر

سی سالگی آلبوم Dark Side of the Moon

و خداوند، گل سرخ را، پس از عصر یخبندان...

ریتوریک

علی اصغر قره باغی

واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی (۱۶)

فصل اول رمان عشق / تونی موریسون

بنام خدا

گلستانه

ماهنامه ادبی، هنری

GOLESTANEH

Culture&Arts

Monthly

Email :Golestaneh@farhang.gov.ir

بخش فنی ۲۰۰۳۰۲

سال پنجم ● دی ۸۲ ● شماره ۵۴

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر massoud_shahami@yahoo.com مسعود شهامی‌پور

هنرهای تجسمی علی‌اصغر قره‌باغی

موسیقی ایرانی شروین شهامی‌پور - سهراب محبی - محمد بهارلو

اطلاع رسانی شیرین جبارزاده

کارگاه جمال میرصادقی

فتوگرافیک و صفحه آرایی علی علیخانی‌فرد

حروفچینی طاهره بخشی

تلفاکس تحریریه ۸۸۹۴۲۳۰

صندوق پستی گلستانه ۴۷۱۵ ـ ۱۹۳۹۵

لیتوگرافی و چاپ متن و جلد : چاپ نظر ایرانشهر جنوبی کوچه شریف تلفن ۸۸۲۸۹۰۳

نقاشی: Carlo Maria Mariani

پرونده Jhumpa Lahiri — فرشید عطایی — ۴

ویژه جومپا لاهیری نویسندهٔ هندی ـ امریکایی / یک نام؛ مثل صدای قطرات باران
جایی مبهم میان فرهنگ‌ها ● من وکتابم زیر شنل گوگول ● بخشی از رمان همنام ● صدای قطرات باران در جزیره مهاجران

موسیقی Michael Kamen — شروین شهامی‌پور — ۱۵

گفت‌وگو با مسعود شعاری و کیوان میرهادی
گوهر اصلی موسیقی عشق است، تعقل نیست ـ مسعود شعاری ● نسل من فرصتی برای محافظه‌کاری ندارد ـ کیوان میرهادی
مایکل کیمن / هیپی پنهان‌شده در لباس رهبر ارکستر
Dark side of the moon ● سی سالگی آلبوم پینک‌فلوید ● گفت‌وگو با راجر واترز ، دیوید گیلمور و الن پارسونز

شعر Wayne Scott Ray — یوسف حیدری‌ترکمانی — ۲۹

و خداوند، گل سرخ را، پس از عصر یخبندان — الهام مقدس
فواد رفقه، شاعر کاوشگر حقایق — سعید توانایی
یک فنجان قهوه / ریچارد براتیگن — داوود صالحی
روزهای ایکاروس / فیلیپ لی‌واین ● هنری کول ● دبلیو.اس. مروین — ملک‌تاج طیرانی
برکت / جیمز رایت
شعرهایی از گوشه و کنار بیستمین قرن سوئد — سهراب مازندرانی

اندیشه واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی (۱۶) ریتوریک Rhetoric — علی‌اصغر قره‌باغی — ۴۰

هنرهای تجسمی — ۴۴

ادای دین به مارسل دوشان — فاطمه شاهرودی
فراخوان اهالی هنرهای تجسمی / بهزاد شیشه‌گران

داستان Flannery O'Connor — رحمان مکوندی — ۴۹

نجات جان دیگران را نجات جان خود بدانید / و فلانری اوکانر — الهام مقدس
طی نمایش فیلم / یوزف ردینگ

دریچه Susan Orlean — فرشید عطایی — ۵۵

نویسندگی مثل جادوگری است / سوزان اورلین
باغ کلاغ‌ها / بهرام فرهمند ● رویکرد اسطوره‌شناسی در نقد ادبی — فتح‌الله بی‌نیاز
بازتاب اسطورهٔ هابیل «در باغ کلاغ‌ها» — علی کامیاب‌قدیری

فصل اول Toni Morrison / Love — فریده اشرفی — ۶۰

فصل اول رمان عشق / تونی موریسون

سینما The Cinema of Absence — مینا رضاپور — ۶۸

سینمای نیستی، عدول فیلم از واقعیت محض

گزارش Jean Giono — محسن ابراهیم‌پور — ۷۱

ژان ژیونو : سرودخوان زندگی طبیعت

کارگاه — جمال میرصادقی — ۸۰

فریب‌الوقوع / بهرام میرصادقی / تفسیر داستان

ایرانی — محمد بهارلو — ۸۷

لیلی صابری‌نژاد / شاید اگر ● گفتنی‌های یک داستان — انوش صالحی
آزاده فخری / جنین
مدار ارتباط بر محور روایت — محمد بهارلو

کتاب آفتاب و مهتاب / شیوا ارسطویی — سیامک خلیلی — ۹۳

برای The Wall بود.

نظرت در مورد همکاری واترز /گیلمور چه بود؟

خیلی آرام بود. البته بسیار بی‌حرارت بودند، وقتی چیزی خوب از آب درمی‌آمد بالا و پایین نمی‌پریدند. بعد از گرفتن یک سولوی بی‌نظیر گیتار، راجر می‌گفت: «اوه، فکر می‌کنم شاید بتونیم که اون یکی‌رو دیگه بندازیم دور، دِیو [دیوید].» خیلی آرام.

گروه معمولاً در چه ساعاتی برای ضبط آلبوم کار می‌کرد؟

بستگی به روز هفته داشت. وقتی شب فوتبال بود، همیشه روز تعطیل می‌کردیم، وقتی شب Monty Python بود هم همین‌طور. راجر خیلی اهل فوتبال بود، زیاد هم بازی می‌کرد. یک تیم پینک‌فلوید وجود داشت. خیلی اوقات آن‌ها کار را برای Monty Python قطع می‌کردند و می‌رفتند و مرا برای یک میکس ابتدایی تنها می‌گذاشتند. برای من این بسیار عالی بود. من باید نشانهٔ خودم را روی آن می‌گذاشتم.

در سال‌های پس از انتشار آلبوم، گروه گاه و بی‌گاه نقش تو را نادیده می‌گرفت؟

متغیر بود. دِیو در روزنامه‌ها گفته بود که هیچ فرقی نمی‌کرد چه کسی آلبوم را مهندسی می‌کرد، اما چند ماه بعد آن ادعا را پس گرفت و گفت: «نه، الن نقش بسیار مؤثری را ایفا کرده.» راجر همیشهٔ همیشه حمایتگر بود. به‌گمانم همه‌شان فکر می‌کنند که من به دلیل کار روی Dark side توانستم باقی حرفه‌ام را ادامه دهم، که البته عناصری از حقیقت در آن‌وجود دارد. اما من گاه و بی‌گاه از خواب می‌پرم و از این فکر آزرده می‌شوم که آن‌ها میلیون‌ها پول درآوردند اما بسیاری کسانی که در آن آلبوم سهیم بودند پولی در نیاوردند.

من گاه و بی‌گاه
از خواب می‌پرم و از این فکر آزرده می‌شوم
که آن‌ها میلیون‌ها پول درآوردند
اما بسیاری کسانی که در آن آلبوم سهیم بودند
پولی در نیاوردند

نقش تو به عنوان مهندس صدا در آلبوم‌ها چه‌گونه است؟

پینک‌فلوید در طبیعتشان تجربه‌گراهای صدا هستند. پینک‌فلوید و بیتلز به این خاطر نقاط مشترک بسیاری دارند، هر دو آن‌ها در بهترین استودیوها و با بهترین مهندسین کار کرده‌اند و مهندسی صدا برای چنین گروه‌هایی رویایی بود که به حقیقت پیوست. اگر مهندسی در رکوردی از آن نوع بدرخشد، احساس بسیار خوبی برایش دارد. من از روی غریزه عمل کردم برای آن‌ها به ایده‌هایم اعتماد نداشتم. گاه و بی‌گاه پیشنهادی می‌دادم و یا کاری را می‌کردم که به نظر درست می‌رسید. تیم خوبی بودیم، خیلی خوب باهم کار کردیم.

خاطره‌ات از قطعهٔ The Great Gig in the Sky را بگو. تو Clare Torry، خوانندهٔ زن را پیدا کردی.

او آلبومی را با قطعات گروه‌های دیگر کار کرده بود، می‌توانم به خاطر بیاورم که نسخه‌یی از Light my Fire را اجرا کرده بود. فکر کردم که صدای فوق‌العاده‌یی دارد. وقتی موقعیت‌اش پیش آمد، آن‌ها شروع کردند به سر خاراندن و گفتند: «چه کسی را می‌خواهیم بیاوریم اینو بخونه؟» من گفتم «من یک کسی را می‌شناسم.» او آمد و در عرض چند ساعت، قضیه حل شد. باید به او گفته می‌شد که در خواندن نباید حتی یک کلمه به کار برد. وقتی اول شروع کرد چیزهایی مثل Oh yeah baby و از این قبیل می‌گفت. باید در این مورد جلویش گرفته می‌شد. ولی خب مسیر خاصی هم وجود نداشت باید خودش حس‌اش می‌کرد. چیز دیگری که در مورد آن قطعه اتفاق افتاد حقه‌یی بود که به ریک [رایت] زدیم. او در استودیوی شمارهٔ یک، با یک پیانو گراند بزرگ می‌زد و بقیه گروه در استودیوی شمارهٔ دو بودند. به جای این که گروه بنوازد در واقع برداشت قبلی را پخش کردیم. امکان نداشت که تفاوت‌اش را تشخیص بدهد. نوار را راه انداختیم و دزدکی از راهرو رد شدیم و وقتی در آخر برداشت به بالا نگاه کرد، همه آن‌جا ایستاده بودند. کمی تعجب‌زده شد. واقعاً ما یک مشت بچه بودیم که مسخره‌بازی درمی‌آوردیم.

□

To My friend, Mr. Ray
with respects.
_Yousef Heidary Turkamaani
2004
Bandar Abbas
south of Iran

و خداوند، گل‌سرخ را، پس از عصر یخبندان...

گردآوری و ترجمه: یوسف حیدری‌ترکمانی

Wayne Scott Ray
وین اسکات‌رای

شعر

«وین اسکات‌رای»، سال ۱۹۵۰ در آلاباما متولد شد و تا پانزده سالگی در استفن ویل واقع در نیوفون‌لند به سر برد و در سال ۱۹۶۵ به وودا‌ستاک در اونتاریو رفت تا این‌که در سال ۱۹۷۶ به تابعیت کانادا درآمد. او در خلال سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ با همسر و دو دخترش لین و ژاکلین در تورنتو اقامت داشت. بعد از آن به لندن واقع در اونتاریو نقل‌مکان کرد. وین اسکات رای مؤسس انتشارات HMS، بنیانگذار دوره‌های شعرخوانی فرهنگ‌های مختلف در دانشگاه تورنتو و مسابقهٔ شعر سرایی انجمن ادبی Scarborogh، همکاری در تأسیس و نفر برتر انجمن شعر کانادا در تورنتو ۸۶–۱۹۸۵ و لندن ۹۵–۱۹۹۲ بوده است. او از سال ۱۹۸۵ معاون کارگاه شعر Beaches بود. انتشار مجموعه شعر او در سال ۱۹۸۹ جایزهٔ سردبیران را از سوی نویسندگان و کتابداران کانادا دریافت کرد. اسکات‌رای در سال ۱۹۹۹ ریاست فستیوال ادبی لندن را بر عهده داشت. نام او در Who's Who in Ontario آمده است. اشعار او در خلال سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۹ در چندین کتاب شعر و ادبیات غیرداستانی در کلچین‌های ادبی، فصلنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی، مجلات و روزنامه‌ها در سراسر کانادا به چاپ رسیده است.

Halls of the Weeping Children

کودک افغانی

زمستان است و شب است و توفان
و در بوران برفی که چشم چشم را نمی‌بیند
صدای ضجه یی می‌آید
شاید زنانِ افسونگرند، و یا
صدای ضجهٔ کودکانی‌ست که در این توفان زمستانی می‌گریند
و صدای‌شان با سردی و خاموشی می‌رقصد.
ولی در این تاریکیِ به رنگِ سفید
جای ماگرم است و آتشِ خانه‌های‌مان روشن
این تظاهر است؛
یقین بدانید دروغ بزرگی‌ست
که می‌گوییم پرده‌های گوش‌های‌مان را
صدای گریه‌های درونِ این توفانِ
مه‌آلود، می‌لرزاند
و این‌جا قلب انسانی
در زیر چراغ برق خیابانی
که در آن توفانِ زمستانی می‌وزد
همان‌گونه که یخ می‌زند، می‌میرد.

کودک جنگ

خطوط منحنی و
بالا و پایین‌های زندگی‌ام
چقدر عجیب‌اند.
حصارهایی که برکنارهٔ این جادهٔ بی‌انتها هستند،
انتخابی برای آدمی نمی‌گذارند
و باد از درون دری نیمه‌باز به درون می‌وزد
پست و بلند زندگی تا زندگی هست، هرگز پایان ندارد.

کودک تایلندی

کودکان پناهنده
به‌طرف اقیانوس شنا می‌کنند
قایق‌ها منتظرند،
آب سرد تا سرشان رسیده است
از توان کودکان پناهنده بیرون است
اقیانوس را شناکنند
به سختی تلاش می‌کنند
اما غرق خواهند شد.

کودک ایرانی

و باران آمد
و زمین سرد شد
به‌گونه‌یی که هیچ‌وقت دیده نشده است.
و خورشید تابید
و باران را خشک کرد
و زمین گرم شد
به‌گونه‌یی که هیچ‌وقت چنین گرمایی احساس نشده است
و باد بر زمین و سراسر جنگل وزید
به‌گونه‌یی که هیچ وقت شنیده نشده است.
و باران آمد
و خورشید تابید
و باد وزید...

کودک کلکته

کودک خیابانی تا صبح در خیابان‌هاست
و مردم از کنار او با بی‌اعتنایی می‌گذرند
بر چمن‌های تازه چیده شده ولو می‌شود
و خسته به آسمان می‌نگرد،
آینده، او را به کجا می‌برد؟
می‌اندیشد
شاید به یک غروب طلایی رنگ
و یا شاید به دریایی به رنگ آبی کبود
و یا مرگی به شیرین و آرام.

●

The Light Went Out Archilbald Lamp man

خداوند زمین را در روزگاری آفرید که زندگی سخت بود و دشوار
پیش از دوره‌های زمین‌شناسی نامی است که بر آن نهاده‌ایم
و خداوند پس از عصر یخبندان، گل سرخ آینده را کاشت
وزش‌های باد را پدید آورد،
و رودخانه‌های سکون و بی تحرکی را خشکاند.
آه آرچیبالد* بنگر و ببین چه‌گونه
وقتی لبخندی بر لبِ اسکیمو می‌نشیند
درختان سرسبز از زیر یخ‌ها سر می‌زنند
و خورشید چه‌گونه بر تمام دانه‌های یک خوشه می‌تابد،
و در این لحظه است که به گذشته بدرود می‌گوییم
رشته تپه‌ها را بر روی موهایت،
پوشش خلیج هادسن را بر پشتات،
و تکه شعری حماسی را بر پوست درخت سَندر
که با زغال نوشته بنگر.
کجاست شعرهای ما که در عصر یخبندان سروده شده؟
آیا گوش‌های‌مان را خاک زوال شخصیتی پرنکرده است؟
و ای آرچیبالد ما در سرزمینی لم‌یزرع و بیابانی
راه‌مان را گم خواهیم کرد.
و وقتی نور به تاریکی گراید ما باد را هم نخواهیم دید.

*Archibald Lampman. شاعری که در سال ۱۸۶۱ متولد شد و در سال ۱۹۹۹ از دنیا رفت.

●

On the Discovery of Josef Mengele ad2000

وای خدای من! زنده‌اند آن‌ها هنوز؟
پیران از یهود، در پیِ
پیران از حزب نازی
چه بد اخلاق‌اند این افراد از حزب نازی
و پیران از یهود پیروز از اقدام خویش.
این دشمنی‌ها از نقطهٔ صفری شده آغاز.
بیش از صد سال عمر همگی آن‌هاست
خوبِ خوبند و همگی سرحال.
هر آن‌چه از آن‌ها شنیدی باور مکن
چیزهایی مثل پنهان شدن‌ها،
تعقیب و گریزها، وکشتارها را
و پایانی نیست برای کودکان آن‌ها
که بر جای پای آنان برمی‌گزینند راه
خیلی زود اتفاق خواهد افتاد که دیگر کسی زنده نماند از این راه
که بماند زنده، که بشود حامی
که باشد ناجی
و اندیشه کند به راستی، به وجود کاستی‌ها، به انسان‌ها
به افغان‌ها، صرب‌ها، کامبوجی‌ها و آفریقایی‌ها...
دیگر کسی نخواهد ماند که دوست بدارد سیاهِ زنگی جهان سومی را
از این زاویه می‌توان بدبختی و فلاکت را دید
می‌توان کودکانی را دید که در خیابان‌های شهر شادی، کلکته
می‌آیند به دنیا و همان جا یند تا...

●

شعرهایی از گوشه و کنار بیستمین قرنِ سوئد

متن و برگردان اشعار: سهراب مازندرانی

یان اُستِرگرن
Jan Östergren

دو شعر

جایی در دوردست گذشته
ارتعاش‌های متضاد بود کتابت شده همچون «نه»
حدود و ثغورِ یک کلمه هم حتی نبود برای امیدی در
آن هنگامه
و موسیقی، بیشهٔ زیتون بود
جایی در دوردستِ گذشته.

از اُستِرگرن، دو کتاب از ترجمهٔ شعرها به فارسی و با برگردان همین مترجم منتشر شده است. «اسطوره‌ها»، باران، استکهلم ۱۹۹۶ و «نور چشم‌های تو» دو زبانه، رویا، لوند ـ استکهلم، ۱۹۹۸.

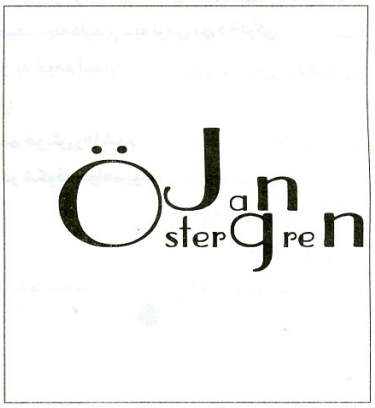

ویلهم اکه‌لوند
Vilhem Ekelund

ستایش

چیزی شبیه دریا
در نسیم آفتاب‌خوردهٔ خرداد
آن‌همه،
خنک، آن‌همه طراوتِ مست‌کننده‌ست تنِ تو.
برف. گلِ رُز.

شبنم بیشهٔ ذرتّ، درختِ پای چشمه هم
معطّر، چون عطرِ دلپذیرِ دهانِ تو نیست.

شکوهِ حیرت‌آورِ آدمی...
نعش را ببین
که در آن‌جا که تو می‌آیی
برده را با لکنت می‌بوسد!

اکه‌لوند، اولین مترجم شعر حافظ به سوئدی در اوایل قرن بیستم بود و اُستِرگرن، دومی آن! Eric Hermelin که ترجمه‌هایش، در میزان و منزلت او را به‌حد حماسه رسانده است (با زندگی‌یی عجیب‌تر از رمبو و مولوی) از پسِ حافظ، اما «برنیامد!»

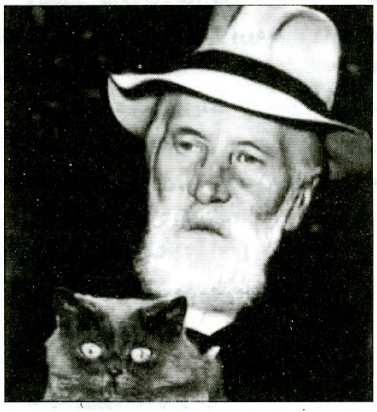

توماس ترانسترومر
Tomas Tranströmer

تب

جلبک‌هایی
که خواب می‌کنند
در برکه‌های تن
تورّمی خونی
کَنِه‌یی درشت

آفتاب
آویخته
بر کرانه‌های
بیشه.

(از شعرهای دوران جوانی)

شاعری با آوازه و دامنهٔ تأثیر گسترده، بعد از نسل اکه‌لوند و سپس اکه‌لوف. اما در تواضع، ترانسترومر همان اندازه را دارد که هر شاعر مطمئن به نبوغ خود و بی‌اعتنا به بدخواهی‌های «حواشی». گرچه او آن‌قدر بزرگ و متواضع است که «حاشیه‌ها» را آن‌سوی سدّ شرمِ ناگزیر، نگاه می‌دارد. او را فقط می‌توان دوست داشت و این‌ها چه کم‌اند!

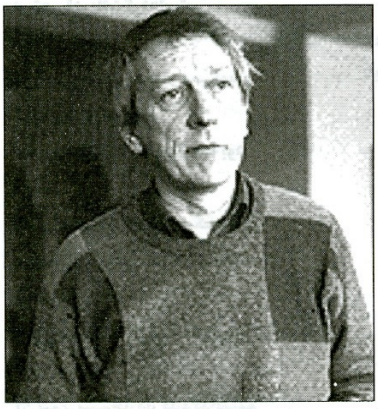

شعرهایی از گوشه و کنار بیستمین قرنِ سوئد

بیرگیتا تروتزیگ
Birgitta Trotzig

حسِ حیات، درختی‌ست
که دور می‌چرخد. می‌روید
با ریشه‌هاش بالا و در نور، و
پایین در توبه توی روحْ، تـمامِ هشدارهای
مرگِ تن. خونِ نور از بالا و از
پـایین چـرخ می‌زنـد، پـایین و پیرامـون.
در بیـشه‌هـای سِحرِ مـرگ، نـور،
نیرومـند می‌درخشد. جنگ در آن جبهه‌هاست که
می‌گذرد.

خانمی محترم، عضو آکادمی نوبلِ ادبی. در بیانِ عشق او به عرفان و شعر ایران، همین بس که وقتی فهمید که تقاضای وقت از طرفِ ما است، برای صحبت دربارهٔ اریک هرمه‌لین Eric Hermelin ـ حنجرهٔ هزار سرودِ شعر بزرگِ فارسی، و رفته به سال ۱۹۴۱ از این جهان که جز آزارش نداد ـ بزرگوارانه ما را به خانه راه داد تا یکی از زیباترین خاطراتِ من از فرنگِ بی‌خاطره! مدیونِ این بانوی پرشوکت و حرمت شود. عمرش طولانی باد که نسل‌هایی از شعر سوئد، با تشویق و نقد (نه تخریب و جنگ!) او بالیدند.

پودیل گرگ
Bodil Greg

از دست می‌روم
در این در آن کلمه
و در هر کلمه
کودکی‌ست
طفلی که تصویر جفتی پلنگ را
کشیده ست
درگیر
در بیشهٔ شبِ آفریقا.

از شاعران جوان زن که باگروه Nya Juno (با بهره‌گیری از اسطوره‌های یونانی) شروع کرده‌اند، که هرکدام حالا به صدایی در میانِ نسل خود بدل شده است. یکی زیرتر، دیگری بم‌تر، یکی هم خفیف‌تر، و دیگری شاید شفاف‌تر.

اینگرید آرویدسون
Ingrid Arvidsson

لکه‌های خون
ظلّ آفتابِ ظهر.

در هنگامهٔ خرّمی
سیاه پوشیده، همراهی
و سرد است
نسیمی که می‌وزد

زردی
در ارتفاعِ شکفتن خود است؛
متورّم،
فروپاشی.

چرخِ تابستان، دور می‌گردد
گردِگوی سیاه
بی‌هیچ سؤالْ،
بی‌پاسخ‌ها.

از شاعره‌های مطرح قرن بیستم سوئد، سرزمینِ کوچکِ غول‌های شعر.

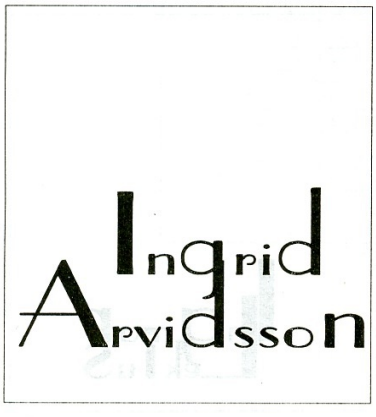

شعرهایی از گوشه و کنار...

اینگمار لکیوس
Ingmar Lekius

در ساحل

به این روال که رویا می‌خزد
در تارِ بیداری و
گم می‌شود
درونِ تیرگی
غرق می‌شود
نگاهِ خیال
با تحریر
در دریای نور.

انعکاس

این‌گونه خدا عشق می‌ورزد به جهان
این‌گونه می‌نوشد عطشِ ما را
چشمه.

در صحرا

قصر از تهی
نساز.

سنگریزهٔ صحراست این
ـ نه سراب ـ
که نزدیکِ خداست.

لکیوس، از شیفتگان شمس و مولاناست. (پیشنهاد کرده بود مثنوی را باهم ترجمه کنیم. گفتم این‌بار برای شانهٔ من؟! و تازه چراکسی دنبال غزل‌هایش نمی‌رود ـ چون قصه‌ها دارد مثنوی؟!).

کارین لنتز
Karin Lentz

کجا پنهان کنم کلماتم را ـ آن‌ها که سرخ می‌شوند
کجا پنهان کنم قلب را ـ که این‌گونه می‌تپد
کجا دست‌ها را چشم‌ها کجا
مرا کجا پنهان کنم
که بیابی‌ام؟!

از فعال‌ترین یاری دهندگان به ما در ترجمهٔ شعر فارسی به سوئدی، و خود از چهره‌های مطرح شعر سوئد است که امیدوارم «باران» در سوئد طرح آماده چاپ او را هرچه زودتر به دسترس شاعران فارسی زبان برساند. با او، یان اُسترگرن و استفان اکه‌سون بود که توانستم چهره‌ها و منظرهای متنوع شعر معاصر را ـ از شاعران داخل و خارج به جامعهٔ شعری «کشور میزبان» معرفی کنم: رویایی، الهی، کلاهی، مدل، موحد، جلالی، بنیاد، ابکاری... تنها بخشی از این شاعران داخل با سلیقه‌های متفاوتند. بسیاری دیگر نیز در جنگ‌هایی از شعر ایران ترجمه شده‌اند. آزیتا قهرمان، اخوان، نظام شهیدی، صالحی، مفتون، صلاحی، احمدی، شاملو، آتشی، موسوی، خوئی و بسیاری از ـ مخصوصاً چهره‌های امیدآفرین ـ نسل امروزِ داخل و خارج. با این همه، شاید بی‌انصافی باشد که خانم ارسطویی، هیچ خبری از آن‌ها نداشته باشد و دست‌خالی از سوئد برگشته باشند.

هلمر لونگ
Helmer Lang

با قلمی مخفی
می‌نویسم میانِ سکوت
و صفحه
می‌درخشد:
[از] تهی [ش].

از مترجمان معروف اشعار آرتور رمبو Artur Rimbaud و تصادفاً از مشتاقان شعر ایران. در سال ۹۴ که از چاپ شعرش در کنار حدودِ سی شاعر دیگر هموطن‌اش به فارسی و در یکی از دفترهای دورهٔ دوجلدی «حرف همسایه ـ شعر مدرن سوئد»، در نامه‌یی به من ـ مترجم آن آثار ـ شوق‌اش را وصف‌ناپذیر خواند. مشتاق‌تر از همه ظاهراً Ekeson بود که نوشت: انگار جایزه‌یی بالاتر از نوبل گرفتم که شعرم به سلطان زبان‌های شعر Poeins Språkkung ترجمه شده است. نام و یادش، یاد قلب مهربان و روح بزرگش، با آن زندگی «رمبو»یی و عجیب، برای همیشه برایم گرامی‌ست.

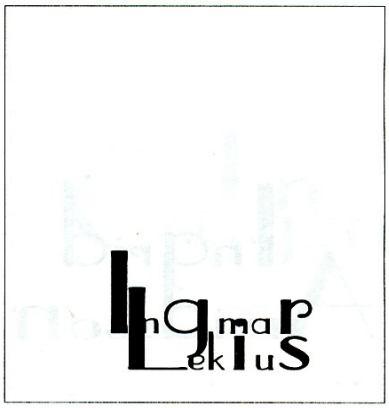

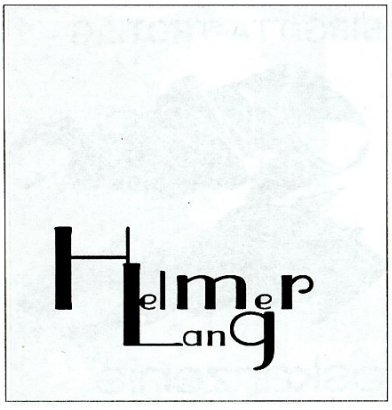

۱. هزینه اشتراک یک ساله ۸۴۰۰تومان

۲. حساب جاری‌شماره ۲۷۱۵۶ـ ۱۰۱۹ نشریه گلستانه بانک تجارت شعبه نوبنیادکدشعبه ۱۰۱۹

۳. ارسال اصل فیش بانکی به همراه فرم اشتراک به صندوق پستی‌گلستانه ۴۷۱۵ـ ۱۹۳۹۵

۴. برای‌امریکا استرالیاوشرق دور ۲۰۰۰۰ تومان و اروپا ۱۶۰۰۰تومان به مبلغ اشتراک اضافه می‌شود

۵. تلفن و فکس امورمشترکین ۸۸۹۴۲۳۰

۶. اشتراک سالانه گلستانه برمبنای۱۲ مجلد- صرف نظرازماه های‌انتشار- محاسبه خواهدشد

درصورت تمایل به دریافت شماره های‌پیشین ویادوره های‌صحافی‌شده گلستانه شماره موردنظر راباعلامت X مشخص وجمع هزینه مواردرخواستی‌رامحاسبه وبه حساب بانکی‌فوق واریزکنید. افزایش قیمت، شامل مشترکان نخواهد شد .

دوره های‌صحافی‌شده سال اول ☐ دوم ☐ هرکدام ۶۰۰۰ تومان

سال سوم ☐ ۸۰۰۰ تومان / ویژه‌نامه ۶۵۰ تومان

نام ..... نام خانوادگی .....

نشانی : .....

کدپستی: ..... تلفن:.....اشتراک‌سالانه ☐

* لطفا جهت تمدید، شماره اشتراک خود را مرقوم نمایید ☐

شماره	۱	۲	۳/۴	۵/۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۵/۱۴	۱۶	۱۷/۱۸
قیمت- تومان	۳۰۰	۳۰۰	۵۰۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۴۵۰	۴۰۰	۴۰۰

شماره	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲/۲۳	۲۴	۲۵	۲۶/۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴
قیمت- تومان	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۴۵۰	۵۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۴۵۰	۴۵۰	۵۰۰

شماره	۳۵	۳۶	۳۷/۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹
قیمت- تومان	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۶۵۰	۷۰۰	۷۰۰	۷۰۰

شماره	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴									
قیمت- تومان	۷۰۰	۷۰۰	۷۰۰	۷۰۰	۷۰۰									

اثری از مهران زینت بخش

قریمن

روایتی مستندگونه درباره

فریدون فروغی

منتشر شد

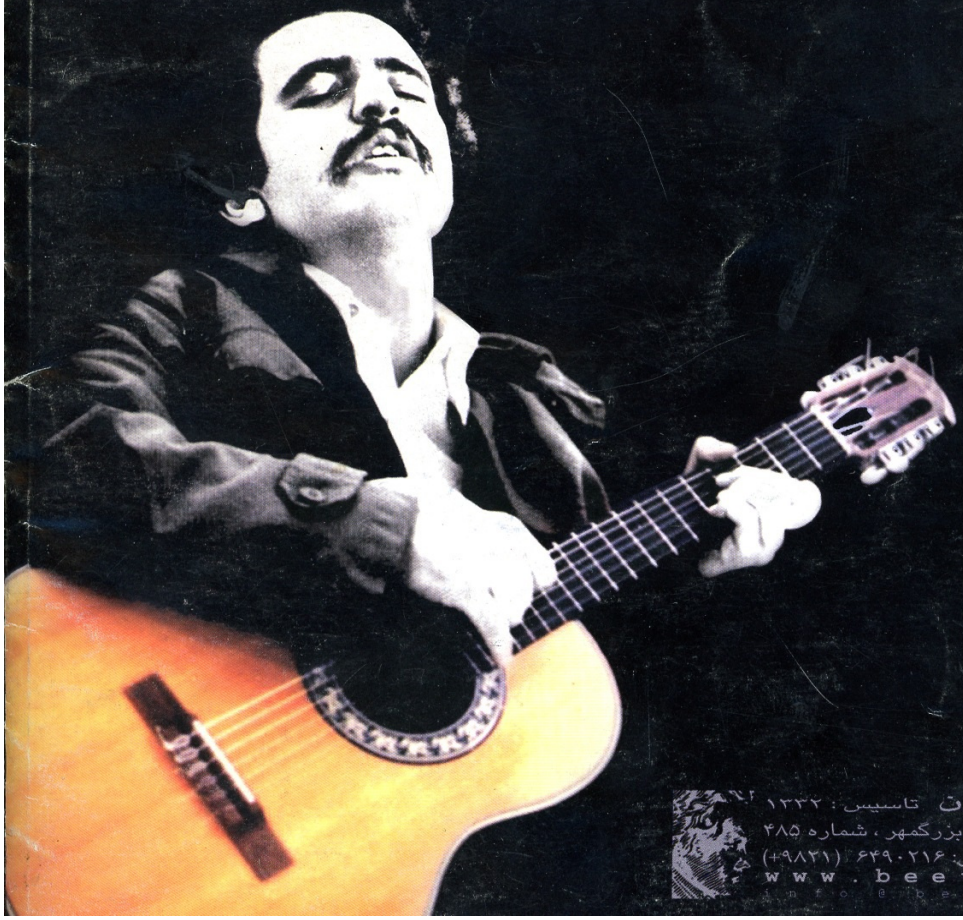

مرکز پخش: ۲۵۸۴۶۵۲ - ۰۹۱۳

مرکز موسیقی بتهوون تاسیس: ۱۳۳۲

تهران، خیابان ولی‌عصر، روبروی بزرگمهر، شماره ۴۸۵

تلفن: ۶۴۶۴۰۵۳ (۹۸۲۱+) فکس: ۶۴۹۰۲۱۶ (۹۸۲۱+)

www.beethovenmc.com

info@beethovenmc.com

In 2004 an Iranian military helicopter pilot, Youseph Turkamaani contacted me by email as he was working on his English to Farsi translating abilities and had just read my recently Internet posted books: *Arma Virumque Cano* and *Auschwitz*. The issue of Golestaneh featured North American authors and poets I have included mine above, along with other samples. I have not been able to locate him over the years.

Wayne Scott Ray
December 2025

hmspress@outlook.com